

# نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۳ - پنجشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم  
۲۳ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## ملاك واقعيّت

بر مبنای تجربه  
یگانه ملاك برای  
اتخاذ مشی درست  
ومفید و مؤثر در  
سیاست خارجی است

صفحه ۲

درباره برخی «استدلالات» و بهانه‌ها، که برای باز هم به تعویق انداختن بند «ج» و «د» عرضه میشود:

### باید هر چه زودتر بند «ج» و «د» را اجرا کرد

برای آنکه  
انقلاب شکست  
نخورد و  
نظامی طاغوتی  
مستقر نگردد

صفحه ۵

## امام خمینی: اگر می‌خواهید از صحنه بیرون‌تان نکنند،

### مردم در انتظار حل مسائل بنیادی کشور توسط مجلس هستند

یک سال از آغاز کار مجلس شورای اسلامی ایران گذشت

مجلس شورای اسلامی ایران، امروز ۷ خرداد، یک ساله میشود. این مجلس، که مهم‌ترین ارکان انتخابی برآمده از انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی و مردمی ایران است، آن‌چنان که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گفته‌اند، وظیفه سترک تنظیم «قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد...» (از پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس) دارد. به همین دلیل است که چشم‌های منتظر و امیدوار زحمتکشان ایران به راستی بدین ارکان از انقلاب برآمده، دوخته است. امام خمینی خود در این مورد تصریح کرده‌اند که:

«انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی، که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند، رؤیای که ثروت سرشار کشور را به خورد هم‌پیمانان نامیمون خود اختصاص داد... و کشور را در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب مخصوصاً آمریکا کرد... (است...)» (از پیام امام خمینی)

با چنین وظیفه مهمی، وظیفه‌ای که مردم، انقلاب، و رهبران انقلاب، برعهده مجلس گذاشته‌اند، روز ۷ خرداد سال گذشته، ۲۱۰ نفر از سراسر کشور، به‌رای مردم، به مجلس راه یافتند و کار آغاز شد. خط و کار مجلس از ابتدا روشن بود:

★ مجلس شورای اسلامی، بعنوان عالیترین نهاد قانونی کشور، باید به سرعت قوانین بنیادی مالکیت، دولتی کردن بازرگانی خارجی، بند «ج» اصلاحات ارضی، احزاب، مطبوعات، پاکسازی و... را، که با سرنویس انقلاب ارتباط حیاتی دارند، بسود انقلاب و مردم انقلابی ما تصویب کند.

«طرح‌ها و پیشنهادهایی را که مربوط به عمران و رفاه حال است، خصوصاً مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته‌سنجی‌ها و تفسیر عبارات غیر لازم، که موجب تعویق امر است، اجتناب فرمائید و از وزارتخانه‌ها و ماموران اجرا بخواهید که از کاغذبازی‌ها و غلط‌کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب‌افتادگی‌های آنان را بطور ضرورتی تحصیل و ترمیم کنند... در ادارات دولتی، قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیرقانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق و یا تعطیل امور شده و می‌شود و جامعه را به تنگ آورده است، بطور انقلابی لغو کنید...» (از پیام امام خمینی)

بقیه در صفحه ۷

## بپذیرید قانون را

- شما ها به بن بست رسیدید... شما ایستادید تا پای اینکه ایران نباشد. دست بردارید از فصولیها
- من بعضی روحانیون را از شمر هم بدتر میدانم.
- غلط میکنی قانون را قبول نداری، قانون ترا قبول ندارد.
- بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد... اگر بخواهد مردم را تحریک بکند، مفسد فی الارض است.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دیروز در مقابل نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که به مناسبت نخستین سالگرد آغاز کار مجلس، به حضور ایشان رسیده بودند، درباره اهمیت قانون و رعایت آن، مطالب مهمی مطرح کردند.

امام خمینی در قسمتی از سخنان خود ضمن تأکید بر نقش تاریخی روحانیت مبارز، آنان را که روحانیت مبارز را مورد حمله قرار میدهند، مورد انتقاد قرار دادند و ضمن تأکید بر آنکه کلیه روحانیون مورد نظر ایشان نیستند و اینکه: «من بعضی از روحانیون را از شمر هم بدتر میدانم»، از روحانیت انقلابی و مبارز دفاع کردند.

امام خمینی در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت که تلافی می‌کنند کشور را به بن بست بکشاند، شدیداً به نظر انتقاد گرفتند و در پاسخ به کسانی که کشور را در بن بست توصیف می‌کنند، گفتند: «هی نشینید، اون از آتور بخواهد او را از بین ببرد، اون از اونور بخواهد اون را از بین ببرد و مسالها را به بن بست برساند و مملکت را، شما به بن بست رسیدید. اشتباه میکنید. مملکت اسلام که به بن بست نمی‌رسد، همین مردم، همین پیرزنان و پیرمردها و جوانان و بچه‌ها از این بن بستها بیرون می‌آوردند این مملکت را. شماها به بن بست رسیدید، می‌گوئید خوب چه بکنیم، بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم. بگذارید ایران نباشد تا ما باشیم. شما ایستادید تا پای اینکه ایران نباشد. دست بردارید از فصولیها.»

امام خمینی ضمن تأکید مجدد بر سال قانون و ضرورت برقراری قانون، گفتند:

من اول سال به آقایان عرض کردم که این سال خوبست که سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم شود. آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چی است. یکتدم آتور بگذارند، من پاهاش مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چقدر است. از آن حدود نباید خارج بشود. بقیه در صفحه ۴

توسط رزمندگان جمهوری اسلامی ایران: ارتفاعات شحیطیه در جنوب الله اکبر آزاد شد

در ادامه نبرد دلاورانه رزمندگان جمهوری اسلامی ایران علیه تجاوزگران صدامی، در چند روز اخیر، این دلاوران به پیروزی ارتفاعات شحیطیه واقع در جنوب های دیگری نائل شدند.

به موجب اطلاعیه شماره ۵۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، روز ۴ خرداد ۶۰ ارتفاعات شحیطیه واقع در جنوب های دیگری نائل شدند. بقیه در صفحه ۴

## شصتمین اجلاسیه «اوپک» کار خود را با موفقیت پایان رسانید

شصتمین اجلاسیه «اوپک» - سازمان کشورهای صادرکننده نفت، این بار در ژنو برگزار شد. مدت اجلاسیه ۲ روز (روزهای یکشنبه و دوشنبه ۴ و ۵ خرداد) برابر با ۲۵ و ۲۶ ماه مه ۱۹۸۱) بود. وزرای دارائی و نفت ۱۳ کشور عضو «اوپک»، به استثنای وزیر نفت ایران، آقای تندگویان، که همچنان در اسارت جنگی رژیم متجاوز صدام است، و رئیس هیئت نمایندگی اکوادور، که به علت سانحه هوایی برای رئیس‌جمهوری آن کشور، نتوانسته بود در اجلاسیه شرکت کند، در ژنو حضور یافته بودند. هیئت‌نماینده‌ی ایران، وزیر اکوادور درموسیس، نمایندگی کشورهای خود را در اجلاسیه «اوپک» عهده‌دار بودند. شصتمین اجلاسیه «اوپک» بقیه در صفحه ۴

## دلاوری‌های خلق در جبهه‌های جنگ

۹ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه‌های نبرد می‌گذرد. ۹ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می‌آفرینند. ۹ ماه است که خلق قهرمان ایران برگ برگ رهایی خویش را با خون رقم می‌زند.

آنچه در «نامه مردم» می‌خوانید، نطاتی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده‌ای از جبهه‌های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه‌ها بوده‌اند، تقاضا میکنیم که با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

حماسه ۸ پاسدار

مجروران هم‌فایه برکشته‌اند. شهدا هم پیروز آمده‌اند. آنکه دیگر دست ندارد، پیروز است. دختری که پایش را از دست داده پیروز است. و آنانکه بر ستیغ ارتفاعات، زمین پاک وطن را از لوث متجاوزان پاک می‌کنند، حتما سرود پیروزی را به یاد می‌سپردند، تا به چهارسوی وطن ببرد.

این یکی از فاتحان است. یکی از فاتحان اصلی «بازی دراز»، بزحمت ۲۰ سال دارد. جامه پاسداری‌اش قره در خون است. در دم‌دمه‌های مرگ، در آن لحظات که پای بر شانه مرگ میگذازد، تازندگی را فتح کند، حماسه فتح را به ثبت تاریخ می‌دهد:

«حملة کردیم. حمله جانانه‌ای بود و چه شبها و روزها که انتظار نکشیده بودیم. اکنون زمان یورش بود. عشق به انقلاب و میهن جانان را شعله می‌زد. پاسدار، ارتشی و داوطلب سنگر به سنگر جلو می‌رفتم. این خالک مقدم بود که خون نیاکان ما آن را

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# ملاک واقعیت بر مبنای تجربه

## یگانه ملاک برای اتخاذ مشی درست و مفید و مؤثر در سیاست خارجی است

آقای محمد علی رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار روزنامه کیهان (که متن آن در شماره ۲۹ اردیبهشت ۶۰ این روزنامه درج شده) مشی سیاست خارجی دولت را نسبت به دیگر کشورهای جهان چنین تشریح کرده اند:

... ما یک خط کلی داریم...  
و آن همان خط "تشرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی است، که حالت های صلبی آن اینست که هیچگونه تمایلی به شرق و غرب نداشته باشیم، از نظر تفکر و خط مشی زندگی فقط جمهوری اسلامی باشد که محتوای تفکر ما را مشخص میکند. در ارتباط با کشورهای خارجی یک کمی این را با اصلاح باز ترکیبیم. ما کشورهای را به چهار دسته تقسیم کردیم که در نامه خود به مجلس هم از آن عنوان کردیم. و آن عبارتست از کشورهای برادر، کشورهای دوست، کشورهای بیطرف و کشورهای متخاصم یا کشورهای که با آن رابطه عادی نداریم و این را دشمن میدانیم. این تقسیم بندی است که ما در مورد کشورهای داریم و بر اساس آنهم با آنها رفتار می کنیم. کشورهای برادر، کشورهای هستند که صدر در صد انقلاب اسلامی را می پذیرند و بر اساس آنهم زندگی می کنند. کشورهای دوست کشورهای هستند که مردم آنها اعتقاد اسلامی دارند، ولی دولت ها صد درصد با مردم منطبق نیستند. کشورهای بیطرف (بی طرف) که با آنها رابطه عادی داریم، آنها کسی هستند که مردم آنها و دولت آنها سعی میکنند به برقراری صلح و دوستی و با آنها اعتقاد اسلامی در آنجا حاکم نیست و بالاخره کشورهای متخاصم کشورهای هستند که با مبنای یک نظام جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند. این مبارزه میتواند مبارزه مسلحانه باشد مثل عراق و یا میتواند مبارزه سیاسی باشد مثل بسیاری از کشورهای پیشین عراق هستند، مانند آمریکا و شوروی و کشورهای نظیر آنها. نظریه اینکه عرصه فعالیت سیاسی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت هر دولت، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران است، نظریه ایست که آقای رجائی در مقام نخست وزیر هستند و در ضمن عهده دار سرپرستی وزارت امور خارجه و اجرای سیاست خارجی کشورند، و نظریه ایست که این تقسیم بندی کشور ها ای جهان (کشور های برادر، کشورهای دوست، کشورهای بیطرف، کشورهای متخاصم) از طرف ایشان در برنامه دولت به مجلس شورای اسلامی نیز ارائه گردیده. تقسیم بندی مذکور اهمیت درجه یک کسب میکند و بنا بر این مابه جهت وظیفه های که در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر عهده داریم، لازم میدانیم که نظر انتقادی خود را نسبت به همین تقسیم بندی بیان داریم. ابتدا "تقسیم بندی" را بررسی کنیم:

کشور های برادر کشورهای هستند که صدر در صد انقلاب اسلامی را می پذیرند و بر اساس آنهم زندگی می کنند. کشورهای دوست کشورهای هستند که مردم آنها اعتقاد اسلامی دارند، ولی دولت ها صد درصد با مردم منطبق نیستند. کشورهای بیطرف (بی طرف) که با آنها رابطه عادی داریم، آنها کسی هستند که مردم آنها و دولت آنها سعی میکنند به برقراری صلح و دوستی و با آنها اعتقاد اسلامی در آنجا حاکم نیست و بالاخره کشورهای متخاصم کشورهای هستند که با مبنای یک نظام جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند. این مبارزه میتواند مبارزه مسلحانه باشد مثل عراق و یا میتواند مبارزه سیاسی باشد مثل بسیاری از کشورهای پیشین عراق هستند، مانند آمریکا و شوروی و کشورهای نظیر آنها. نظریه اینکه عرصه فعالیت سیاسی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت هر دولت، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران است، نظریه ایست که آقای رجائی در مقام نخست وزیر هستند و در ضمن عهده دار سرپرستی وزارت امور خارجه و اجرای سیاست خارجی کشورند، و نظریه ایست که این تقسیم بندی کشور ها ای جهان (کشور های برادر، کشورهای دوست، کشورهای بیطرف، کشورهای متخاصم) از طرف ایشان در برنامه دولت به مجلس شورای اسلامی نیز ارائه گردیده. تقسیم بندی مذکور اهمیت درجه یک کسب میکند و بنا بر این مابه جهت وظیفه های که در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر عهده داریم، لازم میدانیم که نظر انتقادی خود را نسبت به همین تقسیم بندی بیان داریم. ابتدا "تقسیم بندی" را بررسی کنیم:

کشور های برادر کشورهای هستند که صدر در صد انقلاب اسلامی را می پذیرند و بر اساس آنهم زندگی می کنند. کشورهای دوست کشورهای هستند که مردم آنها اعتقاد اسلامی دارند، ولی دولت ها صد درصد با مردم منطبق نیستند. کشورهای بیطرف (بی طرف) که با آنها رابطه عادی داریم، آنها کسی هستند که مردم آنها و دولت آنها سعی میکنند به برقراری صلح و دوستی و با آنها اعتقاد اسلامی در آنجا حاکم نیست و بالاخره کشورهای متخاصم کشورهای هستند که با مبنای یک نظام جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند. این مبارزه میتواند مبارزه مسلحانه باشد مثل عراق و یا میتواند مبارزه سیاسی باشد مثل بسیاری از کشورهای پیشین عراق هستند، مانند آمریکا و شوروی و کشورهای نظیر آنها. نظریه اینکه عرصه فعالیت سیاسی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت هر دولت، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران است، نظریه ایست که آقای رجائی در مقام نخست وزیر هستند و در ضمن عهده دار سرپرستی وزارت امور خارجه و اجرای سیاست خارجی کشورند، و نظریه ایست که این تقسیم بندی کشور ها ای جهان (کشور های برادر، کشورهای دوست، کشورهای بیطرف، کشورهای متخاصم) از طرف ایشان در برنامه دولت به مجلس شورای اسلامی نیز ارائه گردیده. تقسیم بندی مذکور اهمیت درجه یک کسب میکند و بنا بر این مابه جهت وظیفه های که در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر عهده داریم، لازم میدانیم که نظر انتقادی خود را نسبت به همین تقسیم بندی بیان داریم. ابتدا "تقسیم بندی" را بررسی کنیم:

اندونزی و دیگر کشورهای باشند که مردم آنها مسلمانند، ولی دولت های آنها با مردم آنها منطبق نیستند. ولی دولت های هم این کشورها، بدون استثنا، "متکی به غرب" هستند و پاره ای از آنها به عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران کمک میکنند پس کشور "دوستی" که مردم مسلمان و دولتش با مردم منطبق نباشد و در عین حال متکی به "غرب" نباشد. وجود خارجی ندارد. بنا بر این بخش دوم نیز از تقسیم بندی چهارگانه حذف میشود.

اما کشورهای "بیطرف" به نظر میرسد که منظور از کشورهای "بیطرف" کشورهای "غیر متعهدند"، والا کشور "بی طرف"، به معنای کشوری که به صورتی منفعل بی طرفی اتخاذ کرده باشد، نه وجود دارد و نمیتواند وجود داشته باشد.

چرا یک چنین نتیجه ای از چنان تقسیم بندی "به دست می آید؟ برای اینکه این تقسیم بندی "تصنعی است و نه منطبق بر واقعیت. برای اینکه این تقسیم بندی "ذهنی است و نیز برای اینکه مقوله "مردم" و مقوله "دولت" در

آن خلط شده، یعنی به این واقعیت توجه نشده است که "مردم" تمام کشورها (چه آنها که هنوز زیر یوغ استعمار یا استعمارند و چه آنها که خود را از یوغ استعمار یا استعمار رها ساخته اند) همه جا موافق و هوادار انقلاب ایرانند، زیرا انقلاب ایران از لحاظ محتوای خود ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه مردمی است. ولی دولت های کشورهای مختلف، پایداری و موافق و هوادار و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند و یا بدرجات مختلف مخالف و خصم آن. در واقع نیز اگر ما بخواهیم کشور های جهان را تقسیم بندی کنیم، این تقسیم بندی فقط بر مبنای موضوعی دیگر کشورهای جهان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میتواند درست باشد.

جهان در واقع، اگر بطور کلی در نظر گرفته شود، به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه امپریالیسم و جبهه ضد-امپریالیسم. در جبهه امپریالیسم، هم دولت هایی قرار دارند که مردم کشورهای آنها مسلمانند (مانند مصر، سوئدان، مراکش، عربستان، اردن، عمان، پاکستان، ترکیه، عراق، امارات عربی و غیره) هم دولت هایی که مردم آنها غیر مسلمانند (مانند همه دولت های امپریالیستی و همچنین کشورهای مانند اسرائیل، آفریقای جنوبی و غیره). در راس این جبهه، امپریالیسم آمریکا قرار دارد، که دشمن اصلی ماست. در جبهه ضد امپریالیستی نیز هم دولت هایی قرار دارند که مردم آنها معتقد به اسلام اند (مانند الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک و غیره) و هم دولت هایی که مردم آنها مسلمان نیستند (مانند تمام دولت های سوسیالیستی و همچنین کشورهایی مانند انگولا، موزامبیک و غیره). در مرکز این جبهه اتحاد شوروی قرار دارد.

هرگونه تقسیم بندی دیگری که این دو جبهه را مشخص نکند، میتواند شهادت دهد که در بین آنها حتی یک کشور "بیطرف" حتی یک کشور که خط سیاسی آن متضمن همکاری با کشورهای امپریالیستی یا سوسیالیستی نباشد، وجود ندارد. بنا بر این در زمره کشورهای "غیر متعهد" نیز کشوری یافت نمی شود که ما بتوانیم با آن مناسبات برقرار کنیم. پس این بخش سوم نیز از فهرست تقسیم بندی چهارگانه حذف میشود.

در مورد "پشتیبانی اتحاد شوروی از عراق" - که ظاهراً تنها دلیل آقای رجائی برای قرار دادن آن در سطح آمریکا است - باید تاکید کرد که اولاً اتحاد شوروی، پس از تجاوز رژیم صدام به ایران از تحویل اسلحه به عراق (که قبلاً طبق قرارداد بین دو کشور انجام میگرفته) خودداری کرده و این واقعیت مورد تایید همه قرار گرفته است. ثانیاً اتحاد شوروی با خودداری از تحویل اسلحه به عراق عملاً از ایران پشتیبانی کرده است.

اینها واقعیتاتی است که نباید چشم روی آنها بست، زیرا ندیدن آنها به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به سود دشمنان است. شعار "نه شرقی نه غربی"، "آنگاه محتوای درست و مفید و مؤثری کسب میکند که ناظر به کسب

نام رسمی رپوبلیکاد هندوراس (جمهوری هندوراس).  
وسعت: ۱۲۰۸۸۸ کیلومتر مربع .  
جمعیت: ۳/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹). میانگین رشد سالانه جمعیت در سال های ۵۳-۱۳۴۴ ۳/۱ درصد و در سال ۱۳۵۷ ۲/۸۰ درصد بود. بیش از نصف جمعیت هندوراس جوانتر از ۱۸ ساله هستند و دوسوم سکنه در روستاها زندگی می کنند.  
ترکیب نژادی - قومی جمعیت: ۹۱ درصد دورگه، ۶ درصد ایندیو، ۲ درصد آفریقایی - آمریکایی و ۱ درصد سفید پوست (کریول).  
پایتخت: تگوسیگالپا (۲۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵)، دومین شهر بزرگ: سان پدرو سولا (۱۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۵۳).  
زبان رسمی: اسپانیایی.  
پول: المپیرا = ۱۰۰ سنتاوس = ۱ دلار ایالات متحده.

استقلال تام و تمام و عدم وابستگی به هیچ کشور خارجی با مع از "غربی" یا "شرقی" باشد. بنابراین صورت اگر کشورهای "شرقی" در عمل تمامیت ارضی، حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی، برابری حقوق، سود متقابل عادلانه را نسبت به ما رعایت کردند (که کرده اند)، آنگاه دیگر لا اقل حیثیت آنکیز خواهد بود که ما دست دوستی آنها را نپذیریم که سهل است، آنها را در کنار آمریکا و عراق، به عنوان خصم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهیم. یگانه ملاک برای اتخاذ مشی درست و مفید و مؤثر در سیاست خارجی ملاک واقعیت بر مبنای تجربه است، هر ملاک دیگری که واقعیت بر مبنای واقعیت را مخدوش کند، راه به گمراهی، زبان بختن میبرد.

### هندوراس

پایگاه امریکای علیه  
دولت انقلابی نیکاراکوئه  
و خلق رزمنده السالوادور

حکومت: بوجوب قانون اساسی ۱۳۴۴، هندوراس "جمهوری دموکراتیک" است، که در آن رئیس جمهور از اختیارات وسیع برخوردار می شود. بر پایه این قانون اساسی، سمت های رئیس جمهور و نخست وزیر در دست یک فرد متمرکز می یابد، که برای مدت ۶ سال انتخاب می گردد. "کنگرسو ناسیونال" یعنی پارلمان هندوراس، ۶۴ نماینده را در بر می گیرد، اینان نیز برای ۶ سال برگزیده می شوند.



### هندوراس

دریای کارائیب

اقیانوس آرام

# اول ماهمه، روز همبستگی کارگران وزحمتکشان جهان، در مشهد

جهان گرامی باد، حیات یک ملت مرهون گار و کارگر است (امام خمینی) و شمارهای دیگری مربوط به کار و زحمت پویاننده شده بود.

در پیشاپیش صف راهپیمایی کارگران مسلح کارخانه ها و اعضای بسیج مستضعفین کارخانه ها در حرکت بودند. پشت سر آن ها ستون عظیمی از کارگران زن کارخانه های کمپوت همسراه زنان زحمتکش دیگر از راه می رسید. بدنبال آن ها ساندیچکاها، شوراهای کارگری، اجمن های اسلامی کارگران کارخانه ها و واحدهای خدماتی همچون دانه های زنجیره هم پیوسته در حرکت بودند.

از بلندگو شعار: "اختلاف اختلاف توطنه آمریکا"، "اتحاد اتحاد فرسان رهبرما برمی خاست" انگار بمبی در زیر دریا منفجر شده باشد اسوه حمیت به جوشش می آمد، امواج خروشان آن امپریالیسم آمریکا، این دشمن شماره یک کارگران، زحمتکشان و همه نیروهای انقلابی جهان را به زیر تازیانه های برگبار خود می گرفت. پلاکاردها در دستهای پهنه بسته آنها محکم فشرده می شد. در روی بعضی پلاکاردها کارگران خواست های خود را مطرح کرده بودند. مثلا بر روی پلاکارد کارگران کارخانه ایرفرش چنین نوشته شده بود:

اصال برگزاری مراسم اول ماه در مشهد از شکوه و عظمت خاصی برخوردار بود. عزم راسخ طبقه کارگر ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران محور عمده مراسم اول ماه را تشکیل می داد.

امسال کارگران مشهد با تجهیزات و سازوبرگ کاملتری وارد کارزار شدند. قبل از راهپیمایی اول ماه، کارگران مشهدی با برگزاری میتینگ ها، جشن ها، هاورام سم سخنرانی و تئاتر در بعضی واحدهای تولیدی، به پیشواز روز اول ماهه شتافتند. آنها انگار عازم بیگاری بزرگ بودند. چند روز قبل گردان های رزمدهای که قرار بود یاب عرصه نبرد گذارند، آمادگی رزمی می دیدند و با برگزاری مراسم موضعی در واحدهای تولیدی، خود را برای اول ماهه آماده می ساختند.

در مشهد برگزاری مراسم اول ماهه جنبه وسیعی تبدیل شده بود که در آن یگان های بیگارگر کارگران و زحمتکشان از قبیل سندیکاها، شوراهای اتحادیه های کارگران و زحمتکشان، به همراه تمام نهادهای انقلابی، از سپاه پاسداران گرفته تا جهاد سازندگی، اجمن های اسلامی و سایر اعضاء انقلابی جامعه، تدارکات لازم را جهت تبدیل مراسم اول ماهه به روز اتحاد و همبستگی تمام نیروهای انقلابی فراهم کردند.

مشهد سیمای دیگری بخود گرفته بود. کارگران کارخانه سیم الکتریک جلسه سخنرانی و تئاتر تشکیل دادند. کارگران صنایع غذایی در سندیکا خود جمع شدند و راجع به تاریخچه اول ماهه صحبت کردند. کارگران سایر واحدهای تولیدی هریک، به نحوی از انحاء در این عید بزرگ کارگران و زحمتکشان جهان شرکت جستند. یکجا گل بخت می شد، جای دیگر شیرینی، بالاخره روز موعود فرارسید.

صفوف منظم کارگران رو به سوی میدان صفا حرکت کرد. روی پلاکاردها با شعارهای ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر

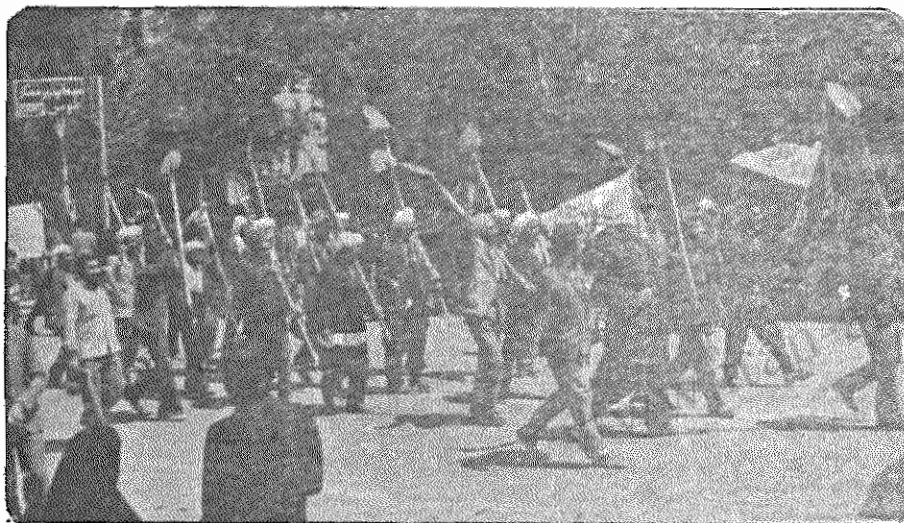
## اول ماهمه در مشهد بروایت تصویر



کارگران مسلح قدرت خود را به نمایش می گذارند: آنها تفنگ بر دوش گرفته اند تا در سنگر مقدم جبهه ها از انقلاب دفاع کنند. همانطور که با طرد هرگونه کم کاری و اعتصاب و اخلاف در تولید مخالفانند، تاپشت جبهه ها را استوار نگه دارند!



ما کارگران کارخانه را دیاتور سازی ایرفرش خواهان ملی شدن کارخانه هستیم!



دوستان در کنار کارکنان، آنها نیز با نابودی بزرگ مالکی و از طریق مبارزه با امپریالیسم آمریکا، از استوارترین نیروهای انقلابی جامعه هستند.

### اخراج يك كارگر بعلت نصب سخنان امام خميني در محل كار!

کردن محروم نمی شود. تازه از همه این سوال ها که بگذریم بدان جای رسمیم که: فرض کنیم از کسی خلاصی سرزند، چه کسی باید داوری کند و کدام مرجع وجه نهادی باید حکم بدهد و اجرای حکم بعدد کیست؟

کدام قانون به یک فرد اختیار می دهد که، بنا به تشخیص خود، نظر بدهد، داوری کند، حکم صادر کند و سپس در مقام اجرای آنچه که خود مقرر داشته، برآید؟

قدر مسلم این است که در جمهوری اسلامی ایران، تا آنجا که مسئولین گفته اند و اسناد قانونی وجود دارد، از چنین ضابطه های هیچکس خیردار نیست به این ترتیب بهتر است دست کم برای اطلاع مردم، مورد استناد قانونی این نمونه از ساهکارهای "قانونی" فرماندار بوسهرروسن شود.

از این نظریه مناسبت نیست اگر یادآور شویم که نظام جمهوری اسلامی ایران و ضوابط مدون قانونی آن حق حیات، حق ابراز عقیده، حق کار و بر خور داری از تضمین شغلی را برای شهروندان ایران قانونی نمرده اند و برای رسیدگی به انواع تخلفات محاکم و مراجع قانونی خاصی نیز وجود دارد.

آیا برآستی مقام های مسئول در محدوده کار خود اختیار آن را دارند که از تبلیغ سخنان امام خمینی بنا به میل و تشخیص خود جلوگیری کنند؟

آیا در شرایطی که در سراسر کشور و بطور رسمی روزگار گرس گرفته می شود، کسی حق دارد بویزه در یک مقام بلند پایه نظیر فرماندار، جلوگیری از انقلابی را، که کمترین ایرادی بدان وارد نیست، بگیرد؟

گذشته از همه این موارد، که در حای خود بسیار حساس است و نقض اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده و مورد تأکید همه مراجع مسئول است، و لذا علی القاعده نباید و نمی تواند از جانب یک عیصر مسئول و صاحب مقام به صورت سیه کار و برنامه عمل تلقی شود، آیا به حرم داشتن یک طرفه فکر خاص و اندیشه معین، باید کسی را از حق داشتن سعل محروم کرد؟

می دانیم که صرف نظر از قانون اساسی همین حندی بیس رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس شورای اسلامی و دادستان کل کشور چنین روسی را صریحا طرد کرده اند و بارها اظهار داشته اند که کسی بصری داشتن عقاید معین، از کار

روز سه شنبه ۲/۱۵/۶۰ فرماندار بوسهر در برخورد با سهارهایی که به مناسبت روز کارگر در کافه رستوران نریمال این شهر نصب شده بود، حواس تار با ک کردن و پاره کردن شماره ها شد و تا کید کرد که این سهارها "اسلامی" نیست و "توده های" است، اما تمام شمارها عینا از گفته های امام خمینی درباره کار و کارگر بود!

اما این "ساعکار"، همیس حاشم پیدا نکرد. دستور فرماندار فقط محو سخنان امام خمینی را شامل نمی شد، بلکه ایشان روز دوسه بعد، طی بستنی که با صاحب سوران نریمال داشت، از او خواست تا کارگر حساب شده سهارها را اخراج کند. هر سدر صاحب رستوران ارعالم بودن این کارگر سخن گفتن این که "صد اخراج او را ندارد؟" اصری نکرد. هر ماندار همچنان اصرار داشت کارگری که سخنان امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران را به دو بارها حساسه بود اخراج شود!

این ماجرا که سرین سازی به تفسیر اضافی ندارد. آمد در کویاسب که عسی یک فاجعه را شان دهد. این همه بی توان سوال کرد:

### شرکت تعاونی در و پنجره سازان بزازجان:

## وزخیفه کارگران تولید بیشتر و پرهیز از کم کاری و اعتصاب و رویی با امپریالیسم، بسرگردگی آمریکاست

و تومن و اعتصاب به منظور رویارویی با شیطان بزرگ و کمک هرچه بیشتر و وسیع تر به جبهه های جنگ و افشای هر چه بیشتر عوامل داخلی شیطان بزرگ آمریکاست که شبانه روز برای سرنگونی انقلاب و جمهوری اسلامی ما تلاش می کند.

دوستان و زحمتکشان عزیز!

از شما می خواهیم. در این اوضاع و احوال که کشور ما مورد هجوم همه جانبه و تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا واقع شده، به دعوت خمینی بت شکن رهبر کبیرمان پاسخ مثبت داده و ضمن بالا بردن تولید هرچه بیشتر و کمک های مادی و معنوی به جبهه های جنگ حق بر علیه اطل، در حفظ و حراست محصولات و خرمن های خود بکوشند.

در آستانه جشن اول ماهه، از سوی شرکت تعاونی دروین پنجره سازان بزازجان اعلامیه ای انتشار یافت. در این اعلامیه از جمله می خوانیم:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند، وابستگی اقتصادی داشته باشد، هم محور وابستگی دنیالش می آید، و وابستگی سیاسی هم پیدا می کند، وابستگی نظامی وقتی ما چیزی نداشته باشیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می شود، آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند.

(امام خمینی)

### کارگران مبارز!

عید امسال ما در شرایطی برگزار می شود که جنگ ناخواسته ای بر کشور ما تحمیل شده است. این جنگ تنها جنگ رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق حلقه ای از تجاوز عمومی امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، علیه همه انقلابی ماست. این بدان معناست که حتی زمانی که تجاوز درودسته صدام را راندن متجاوز از مرزهای کشورمان پایان پذیرد، خطر توطئه تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هم چنان به قوت خود باقی خواهد بود. وظیفه خطیر ما کارگران در این شرایط ویژه، تولید هرچه بیشتر و پرهیز از هر نوع کم کاری

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

برای آنکه انقلاب شکست نخورد و نظامی طاغوتی مستقر نگردد

# باید هر چه زود تر بند «ج» و بند «د» را اجرا کرد

در باره برخی «استدلالات» و پنهان‌ها که برای باز هم به تعویق انداختن بند «ج» و بند «د» عرضه میشوند:

اراضی را حل کردیم و شما را صاحب زمین کردیم... ساحتی توانیم مساحت کل کشور یا حتی مساحت کلیه زمین‌های موات و بایر را روی کاغذ بین دهقانان تقسیم سرانه کنیم و بگوییم مسئله مالکیت دهقانان بر زمین بدون اجرای قانون واگذاری اراضی و بدون دست زدن به زمین‌های بزرگ مالکان قابل حل است. درست است که اگر بیاییم و هم‌زمین‌های بی‌انتهای صحرای برهوت و دشت‌های بی‌آب و علف را، که تا چشم کار می‌کند گسترده شده، بین دهقانان اسما تقسیم کنیم، شاید بتوانیم از هر خانواده‌ای یک "بزرگ مالک" بسازیم، ولی اینها آن چنان زمینی نخواهد بود که در آن کلی شگفته شود، تا زندگی را شاداب کند، و محصولی برآورد، که خانواده‌ای را سیر کند، و راهی گشوده شود، که مسئله‌ای را حل کند.

## مسئله زمین و دهقانان

درباره جانب اول مسئله، برخیزیم اظهار عقیده کرده‌اند که بدون اجرای بند «ج» و بند «د» هم می‌توان به کشاورزان زمین داد. در این باره نخستین سوالی که مطرح می‌شود آن است که چگونه زمینی را زمین قابل دادن به کشاورزان می‌دانیم؟ منظور ما حقانیت، عدالت، انقلاب و تکامل جامعه چنین حکم می‌کند. حق کشاورزان درست همان زمینی است که خودشان و پدرانشان آن را با زحمت‌های شبانه‌روزی خود در گرمای تابستان و سرمای زمستان بارور کرده، با دست‌های پینه بسته خود شخم زده، با عرق پیشانی خود آبیاری کرده، با بی‌خوابیها و تحمل دشواریها و خطرها کشت را نگهداری کرده و محصول را به بار آورده‌اند. به نظر ما بدیهی است که چنین محصولی نباید به انبار ارباب و خان و زمیندار عمده برود، که هرگز کاری نکرده و در شهر خورده و خوابیده یا در خارجه خوشگذرانی می‌کرده و یا در کنار دربار و درباریان به فسق و فجور مشغول بوده بلکه محصول باید روانه خانه دهقان زحمتکش شود. بنابراین، درست باید بندهای ج و د مربوط به اراضی بایر و دایری، که بزرگ مالکان سند مالکیت آن را طبق ضوابط رژیم گذشته در دست دارند، اجرا شود. اما کسانی هستند که معتقدند

مربوط می‌شود، و از آنجا که یکی از عوامل عمده استضعاف مادی میلیون‌ها زحمتکش روستاهاست و علت اساسی محرومیت‌های بی‌حساب این توده عظیم هموطنان دهقان ماست، مستقیماً به زندگی و کار میلیون‌ها ایرانی مربوط می‌شود. بنابراین مسئله خاص بند «ج» و بند «د» مسئله عام اصلاحات ارضی بنیادی یک مسئله سرنوشتی، یک مسئله سیاسی مللکتی، یک مسئله مربوط به حال و آینده انقلاب ماست. درباره این جهت بسیار اساسی و حیاتی مسئله است که ما نظر خود را، در برابر "استدلالات" رایج کنونی ابراز می‌کنیم. این مسئله سرنوشتی دو طرف عمده دارد.

یکی آنکه میلیون‌ها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین، که بر اثر سالیان دراز سلطه رژیم سلطنتی و نظام فئودالی و ستم اربابی نتوانسته‌اند، علیرغم جان‌کشی نسل اندر نسل، صاحب آب و ملکی باشند، به حق مسلم خود، یعنی داشتن زمینی که آن را بارور ساخته و به ثمر رسانده‌اند، بزرگ و در نتیجه، در جمهوری اسلامی ایران، که بدنیاال انقلاب شکوهمند کوشش‌های برای استقرار استقلال و عدالت و آزادی و برابری و حقانیت ایجاد شده، دهقانی نباشد که زحمت یکسوی زمین بماند. بعبارت دیگر، دهقانان زحمتکش صاحب زمین خود باشند و به حق خود برسند.

طرف دیگر این مسئله آن است که با نظام بزرگ مالکی چه خواهیم کرد؟ بزرگ مالکی زاینده بدبختی‌های بی‌شمار و چپاولگری‌های بی‌حساب بوده و هست، استضعاف مادی و معنوی ریشه داری ایجاد کرده و می‌کند، تا اکنون پایگاه رژیم سلطنتی و سلطه نروتمندان و صاحبان زور زور بوده و اکنون نیز نگاهاه ضدانقلاب و مخالفین جمهوری اسلامی ایران و هندستان آمریکا است. آیا هدف انقلاب این است که چنین نظامی از بین برود یا نه؟ آیا نظام بزرگ مالکی همانند یک غده سرطانی باید با تمام ریشه‌ها و تار و پود خود برکنده و بدور انداخته شود یا نه؟ آیا می‌خواهیم انقلاب یکسر سالم و شکوفایی داشته باشد یا نه؟

باز نمودهای اسلام می‌دانند. در باره اینکه این طرح، یعنی ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی و دادن حق به‌مقدار و زمین به دهقانان، اسلامی هست یا نه، البته عقاید فقها متفاوت است. اگر عده‌ای هنوز عقیده دارند که اسلامی نیست، فقهای دیگری که تعدادشان هم بسیار زیاد است، عقیده مند هستند که اجرای بند «ج» و بند «د» شرعی است. و با موازین اسلام مایبند ندارد. سبب این از اینان آیت اله منتظری و آیت اله مشکینی و آیت اله بهشتی، که بر اثر پیدایش همین اختلاف نظر و عقیده، از جانب امام خمینی ماموریت یافتند که مسئله سیدگی کنند و آنرا از نظر شرعی و فقهی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهند، به این نتیجه رسیدند که طرح شرعی و قابل اجراست. علاوه بر آن، به هنگام بحث و تصویب این طرح در شورای انقلاب هم عده‌ای از فقها و اسلام شناسان حضور داشتند و آن‌ها نیز رای بر اسلامی بودن داده‌اند. در هر حال این بحثی است که می‌تواند بین آقایان علما مفتوح باشد و نظرات مختلفی در این زمینه ابراز شود، که حل آن بر خود این محافل بصیر و مطلع و ذیصلاحیت است.

## زمین، مسئله سرنوشتی

اما مسئله اجرای قانون و بندهای «ج» و «د» آن دارای ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیز هست، که در باره آن همه آحاد مردم و همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی معتقد به انقلاب و متعهد در برابر سرنوشت انقلاب و مداخله قانون اساسی، استقلال، آزادی و منافع مردم زحمتکش، بی‌تردید وظیفه دارند که ابراز نظر کنند و وظیفه دارند که خطری را که از ناحیه آقای بزرگ مالکی متوجه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ما خواهد شد، خاطر نشان سازند.

مسئله باقی ماندن یا از بین رفتن نظام غارتگر و پوسیده، فاسد و طاغوتی بزرگ مالکی به استقلال سیاسی و اقتصادی میهن انقلابی ما مربوط می‌شود، به اجرای مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود، به تأمین واقعی آزادی و حقوق مردم

بهارا سال می‌رود که مؤذد اجرا تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی را برای دهقانان زحمتکش سراسر ایران، که بی‌صبرانه چشم انتظار عمل هیئت‌های هفت نفری هستند، به همراه آورد. علیرغم تعویق بند «ج» و بند «د» قانون، که هم اراضی دایر و هم اراضی بایر بزرگ مالکی را در بر می‌گیرد، اکنون مشهود شده است که توطئه بزرگ مالکان و ایادی روحانی نمای لیبرال - منشی آنها ربه شکست می‌رود و احتمال آنکه زنجیر تعویق بزودی از بند «ج» و بند «د» برداشته شود، کم نیست. اما در عین حال، هم‌طور که بدیهی است، حمله و فشار و اعمال زور تبلیغاتی بزرگ مالکان تشدید یافته، تا شاید بتوانند انقلاب را از پیشرفت بازدارند و آنرا در چارچوب فاسد و پوسیده منافع پلید و اغراض ستمگانه خود محدود کنند.

علیه اصلاحات ارضی و ضرورت انجام آن نه تنها از طرف بزرگ مالکان و عمال آنها توطئه صورت می‌گیرد، بلکه گاه "استدلالات" و در واقع بهانه‌های آنان در اینجا و آنجا بازتاب می‌یابد. از آنجا که هر یک از آنها می‌تواند مانعی در راه انجام اصلاحات ارضی، یعنی انجام یکی از مهم‌ترین وظائف انقلاب باشد، بی‌فایده نیست که برخی از این "استدلالات" را بررسی کنیم، به امید آنکه برای بازکردن راه و تابناک نمودن روزنه‌ای که گشوده شده، مفید افتد و بار دیگر به اهمیت حیاتی ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی - اهمیت حیاتی برای سرنوشت انقلاب - بی‌بریم و در اجرای هر چه قاطعتر و سریعتر قانون مصوبه مصمم شویم.

برخی‌ها، علیرغم آن همه موضع گیری‌های فقهی برجسته، باز هم از تعارض اسلام با اصلاحات ارضی صحبت می‌کنند. برخی دیگر مدعی شده‌اند که واگذاری زمین بزرگ مالکی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق نمی‌کند. برخی‌ها اضافه می‌کنند که تولید خوب کار بزرگ مالکان است، و اگر بخواهیم وابسته به خارج نیایشیم و تولید کافی داشته باشیم، نیاید دست به تکیه بزرگ مالکی بزنیم، برخی دیگر هم می‌گویند: این حرف درستی است که باید

همه دهقانان زمیندار شوند، ولی کشور ما زمین بایر و کشت نشده زیاد دارد، آنها را به دهقانان بدهیم و زمین‌های حاصلخیز زیر کشت را از بزرگ مالکان بگیریم. برخی از این "استدلالات" کهنه است و آخرین فشار را اینجا و آنجا وارد می‌کند. لذا ما هم زیاد در آن زمینه‌ها صحبت نمی‌کنیم. اما روی برخی دیگر تکیه بیشتری می‌شود و با تکرار کوشش می‌شود مطالب سستی را پایه‌ای برای نجات نظام روبه زوال بزرگ مالکی، که از انقلاب ما - انقلاب کوشش‌های علیه کاخ نشینان - ضربات جانانه‌ای خورده است، قرار دهند.

نظراً اول یعنی تعارض اسلام با اصلاحات ارضی، یک مسئله شرعی را مطرح می‌کنند که بارها در این زمینه صحبت شده و حالا دیگر تقریباً برای همه کس روشن گردیده که اسلام راستین و مسلمانان انقلابی و متعهد به انقلاب مستضعفین، هرگز به چنین تعارضی باور ندارند، بلکه برعکس، ادامه بزرگ مالکی را مغایر

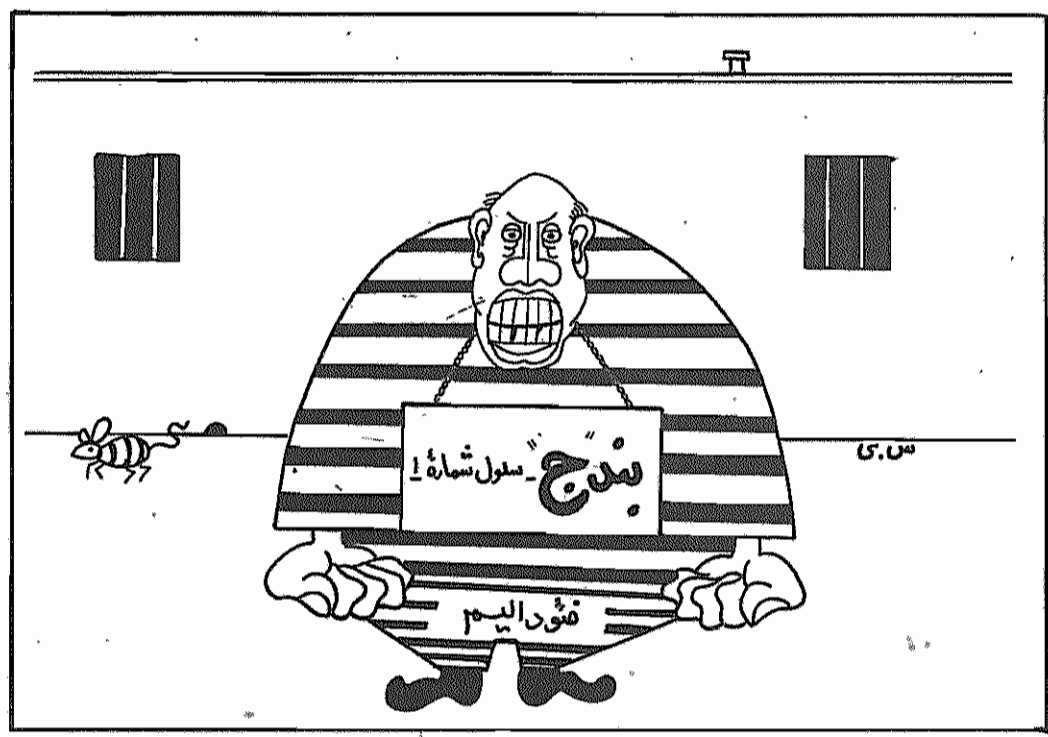
همه می‌دانند که وسائل تولید کنونی ما در دهات بسیار ابتدایی است. مقدرات دولتی برای احیاء اراضی هم در حال حاضر آنچنان نیست که بتوان میلیون‌ها هکتار یا چند ده میلیون هکتار را قابل کشت کرد و به دهقانان کم زمین و بی‌زمین سپرد. واقع بینانه و عملی نیست که بگوییم مسئله زمین و مهم‌ترین خواست دهقانان تبه‌دست را، که داشتن زمین است، می‌توان با دادن زمین‌های موات حل کرد. بنا به براین اصول مسلم حقانیت و عدالت و حکم انقلاب و تکامل جامعه بجای خود، حتی اگر تنها و تنها ملاک فنی بودن و قابل اجرا بودن را هم در نظر بگیریم، تنها راه عبارتست از اینکه زمین‌های دایر و زمین‌هایی را که مالکان بزرگ بایر گذاشته‌اند و به آسانی می‌توانند قابل کشت شود (وجه بسا سابقاً هم کشت می‌شده است) فوراً "بدون استئنا و بنحوی که قانون مصمم می‌کند (بند) های ج و د" به دهقانان تولید کننده واگذار کرد. واضح است که فقط زمین هم، بدون کمک مادی تولیدی و بدون کمک سازمانی برای همیاری، تزیین کار دهقانی که صاحب زمین می‌شوند و برای استفاده از وسائل فنی و مالی، و شاعرای را ایجاد کرد و تسکین به تعاونی‌ها بهترین بهره‌را از زمین، از وسائل تولیدی، و امکانات موجود گرفت.

بکون تردید استفاده کنونی از منافع آب و خاک بسیار ناکافی و ناقص است و باید دولت انقلابی طبق برنامه دقیق و با گام‌های استوار، افزایش سطح اراضی قابل کشت و تهیه آب ضروری را، که یکی از مهم‌ترین مسائل پایه‌ای اقتصاد کشور ماست، مد نظر خویش قرار دهد. ولی تا رسیدن به این هدف، نمی‌توان حل مسئله حاد و مرموز ارضی و الفای بزرگ مالکی را به تریق انداخت. گره مسئله جزاین نیست.

بنابراین، درباره جنبه اول مسئله، یعنی زمین‌دار کردن دهقانان زحمتکش، از هر گدگانه که بنگریم، نظریه زمین‌دار کردن دهقانان از طریق اعطای زمین‌های موات و آبی به مقصد بنیادی، اعطای بزرگ مالکی و بطور مشخص، اجرای بندهای ج و د قانون است.

## مسئله زمین و بزرگ مالکان

اما طرف دیگر مسئله بهیچوجه کم اهمیت‌تر از این طرف مسئله نیست، و آن اینکه، مقصود از اصلاحات ارضی بنیادی واقعی و نهیسته انقلاب، آن هم انقلابی به عظمت آنچه به پستان و زاغه نشینان و کوشش‌های استعمار و استعمار مادی و معنوی را برکنند. و این کار ممکن نیست مگر با از بین بردن قاطع بزرگ مالکی. نظام بزرگ مالکی با طاغوت پیوند دارد. سرمایه‌داری و وابستگی، با ادامه وجود آن ملازمه



### باید هر چه زودتر بند «ج»...

بقیه از صفحه ۵

دارد. یعنی باقی ماندن بزرگ مالکی، یعنی باقی ماندن محل بزرگ بخت بنظم آریا - مهری، یعنی جای پای برای ضدانقلاب برای امپریالیسم، زمینداری عمده، سرمایه داری عمده را نیز به همراه خود نگهدارد و این دو، به نام در هر لباسی، زمین ساز و ایستکی و احیای همان وضع پر ادبار گذشته خواهند بود. بزرگ مالکی، همانطور که تجربه دوسال اخیر نشان داده، پایگاه توطئه های ضدانقلابی و امپریالیستی است و آنقدر نمونه های تشنج آفرینی ها و جنایات و توطئه های مالکان عمده در این مدت زیاد است که در هر استانی به سهولت می توان صدها نمونه آن را ذکر کرد و بی تردید نهادهای انقلابی و مستولان انتظامی و دولتی و مقامات مذهبی در مناطق مختلف و مستولان سپاه پاسداران در این زمینه بسیار چیزها می دانند و به کمیته ها و دادگاه های انقلاب پرونده های بسیاری رجوع شده و اسناد و مدارک فراوان در این زمینه وجود دارد. به همه این جنایات و توطئه ها تنها از راه ریشه کن کردن بزرگ مالکی می توان پایان داد، که آن هم در گرو اجرای بندهای "ج" و "د" است. این جنبه مسئله، ابتدا کم اهمیت تر از جنبه اول، یعنی زمین - دار کردن دهقانان نیست.

خلاصه کنیم: سرنوشت انقلاب ما وابسته به آنست که یک رشته مسائل عمده اساسی جامعه ما حل شود و به یک روش توظیف گری، که در برابر انقلاب و جامعه ما قرار گرفته، پاسخ داده شود. مسئله ارضی یکی از آنهاست، در مرحله کنونی تکامل جامعه ما، این مسئله مترادف با حذف قطعی، کامل و قوری بزرگ مالکی است. این مسئله جز با اجرای حتمی و بلاشروط بندهای "ج" و "د" حل نمی شود. ما تنها از این راه می توانیم حق را به حق دار برسانیم، عدالت را برقرار کنیم، بر سندهای قلابی و تصرف های عدوانی نظامات گذشته خط بطلان بکشیم، شالوده اقتصاد شکوفا و مستقل کشاورزی و شالوده زندگی بهتر و انسانی را برای دهقانان بریزیم و جمهوری اسلامی ایران را بمرز زمینی که در آن انقلاب تحکیم شده و حقوق انسانی و حقه مردم زحمتکش حفظ می شود، بدل کنیم.

### مسئله زمین و وابستگی

نکته بسیار مهمی که بحق در مورد ضرورت اصلاحات ارضی به آن اشاره می شود، مسئله عدم وابستگی است. تجربه چه نشان می دهد؟ این که بزرگ مالکان دشمن استقلال ایران و ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست ها هستند، این که آنها عمل بارشده اقتصاد کشور مخالفند و عملا همه دیده ایم که آنها حتی از آتش زدن خرمن ها و کشت نکردن زمین ها و خرابکاری در تولید کمتربین ابائی ندارند. برای آنها ملاک برتر، سود است. آنها کمترین ارزشی برای سلامت و توسعه اقتصادی مستقل ما و سرنوشت انقلاب قائل نیستند. در مقابل، باز هم تجربه نشان می دهد که دهقانان زحمتکش شالوده و سنگ پایه تولید متنوع و کافی هستند. آنها اگر زمین داشته باشند و اگر مسائل کارتری در همان حدی که فعلا امکان هست و در آینده مرتباً بیشتر به آنها برسد، بر میزان تولید بارها خواهند افزود و یاکارو

بلافاصله پس از عبارت بالا ذکر می شود. در بندهای مختلف در اصل سوم "جلوگیری از نفوذ جانب"، "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی"، "رفع تبعیضات ناروا" و غیره مطرح می شود. آیا می توان این بخش از اصول کلی قانون اساسی را رعایت کرد در عین حال بزرگ مالکی را حفظ کرد و بند "ج" و بند "د" را اجرا نکرد؟ در همین اصل سوم از بی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت ها سخن می رود. این اصل کجا و عدم اجرای بند "ج" و بند "د" کجا؟

چگونه می توان بندهای مختلف اصل ۴۳ را نادیده انگاشت که از قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر بکارند، ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی... صحبت می کند و می خواهد جلوی "تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص" را بگیرد. مگر در همین اصل عبارت "منع اضرار به غیر" ذکر نشده و مگر بزرگ مالکی خشن ترین اضرار غیر نیست؟ مگر نه آنست که هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. (اصل ۴۶) و مگر بزرگ مالک چنین نمی کند؟

اصل ۴۹ قانون اساسی درباره "منشاء ثروت های حاصله"، اگر دقیقاً اجرا شود، از تمام بنای منحوس بزرگ مالکی سنگ روی سنگ باقی نخواهد گذاشت. کافست همین یک اصل را که با گفته مشهور و عمیق امام خمینی، در باره اسناد جعلی مالکین بزرگ و سند سازی ها و تصرف عدوانی نیز تطبیق می کند. معیار قضاوت و عمل قرارداد هم، تابعر شوم بزرگ مالکی پایان داده شود.

هی شک اعضای شورای نگهبان، اعم از فقها یا حقوقدانان، این مواد قانون اساسی و روح آن را، که متجلی از انقلاب ما و اهداف آن است، در نظر خواهند داشت و بر تطبیق قانون و اگذاری زمین و بند "ج" و بند "د" با قانون اساسی، همچنان که دیدیم، صحه خواهند گذاشت.

در پایان باید یک بار دیگر اضافه کرد که بند "ج" و بند "د" چند خط از یک قانون معمولی و یک بند از یک آئین نامه عادی نیست، بلکه گره اصلی قانون

و اگذاری زمین مصوب فروردین ماه ۵۹ است. این قانون که هنوز معلق است و در اساس خود عملی نشده، ولی روزنامه امیدی برای انجام سرنوشت سازش کشود ه شده، یکی از صد ها قانون و مقررات گذرا و فرعی نیست که می تواند هر روز تصویب شود یا شود و اجرا یا عدم اجرایش به گاو و گوسفند کسی صدمه می زند. این قانون با یکی از شرایان های حیاتی جامعه انقلابی ما ارتباط دارد و عدم اجرای آن، قطع شرایان است و می تواند خطر شکست انقلاب و بازگشت به نظام طاغوت زده و نوعی بساط آریامهری را به همراه داشته باشد. بی تردید و قطع باید طلب کرد که کلیه زمین های آریایی - تا همان سه برابر عرف محل، که قانون معین کرده - گرفته شود و اعم از سایر و دایره دهقانان تهیدست و به تعاونی های، که بدست و با شرکت و نظارت خود دهقانان زحمتکش تشکیل می شود، واگذار گردد. تا بساط منحوس و ضد انقلابی و استثمارگری وضد انسانی بزرگ مالکی برای همیشه از میهن انقلابی ما برچیده شود.

حزب توده ایران انجام اصلاحات ارضی را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور بسود محرومان می داند و خواستار تحقق بی خدش آن است. (برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی)

حزب توده ایران انجام اصلاحات ارضی را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور بسود محرومان می داند و خواستار تحقق بی خدش آن است. (برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی)

حزب توده ایران انجام اصلاحات ارضی را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور بسود محرومان می داند و خواستار تحقق بی خدش آن است. (برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی)

### هندوراس پایگاه...

بقیه از صفحه ۳

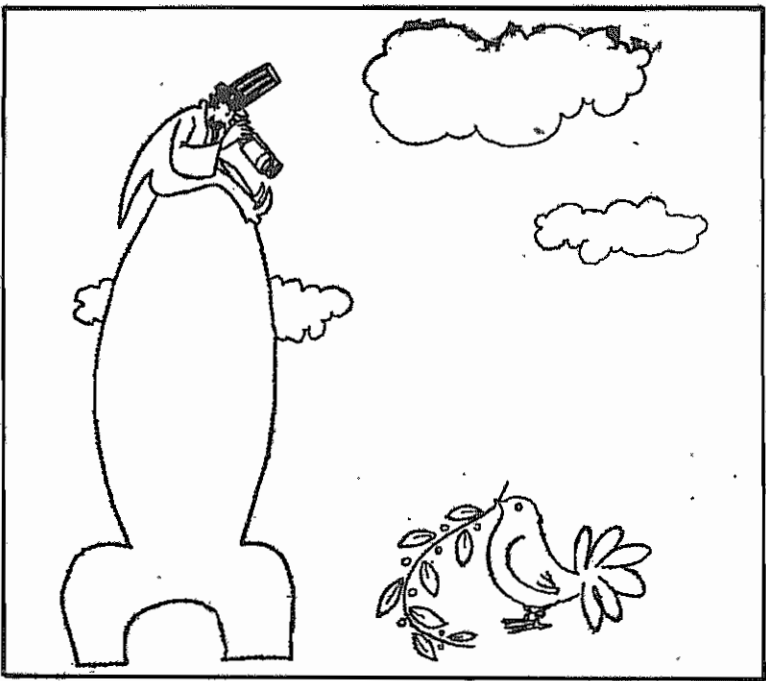
مرداد ۱۳۵۹ (۲۵ ژوئیه ۱۹۸۰) ژنرال پاس گاریا را بعنوان رئیس جمهور موقت برگزید. قرار است اسامال انتخابات جدید، برای گزینش رئیس جمهور و غیر نظامی، برگزار شود. ترکیب مجلس موسسان چنین است: "حزب لیبرال" (پارتیدو - لیبرال - نماینده محافل بورژوازی) - ۳۵ کرسی، "حزب ملی" (پارتیدو - ناسیونال - نماینده بزرگ زمینداران و انحصارات ایالات متحده آمریکا) - ۳۳ کرسی و "حزب نوسازی و وحدت" (پارتیدو د اینوسواسیون ای - اوئیداد) - ۳ کرسی. یادآور می شویم که احزاب دیگر اجازه شرکت در انتخابات را نیافتند. "حزب کمونیست هندوراس" (پارتیدو کمونیست د هندوراس) که در شرایط نیمه غلنی فعالیت می کند، "حزب دمکرات مسیحی"، "حزب سوسیالیست"، "جبهه آزادی بخش موزانیت" و "گروه سیاسی، سندیکایی، دانشجویی و مذهبی دیگر در "جبهه میهن دوستان هندوراس" ("فرنته - پانتریوتیکو د هندوراس") متحد شده اند.

هندوراس، از نظر اداری، به ۱۸ ایالت تقسیم می گردد، که فرمانداران آنها را رئیس جمهور تعیین می کند. این کشور از ۳۱ استان، از جمله استان مرکزی پایتخت، تشکیل می شود. اقتصاد: هندوراس کشوری کشاورزی عقب افتاده است، که تولید صنعتی آن ناچیز است.

از سوی دیگر، در دهه گذشته، فرآورد های ناویژه اجتماعی هندوراس در برتر نفوذ سرمایه انحصاری خارجی در مقایسه با کشورهای همسایه، رشد بیشتری داشته است. در سال ۱۳۵۷، کشاورزی ۳۱/۷ درصد، صنعت ۱۷/۱ درصد، بازرگانی و هتل داری ۱۲/۶ درصد، ترابری و ارتباطات ۷/۲ درصد، معادن ۱/۹ درصد و دیگر رشته های اقتصاد ملی ۲۴/۱ درصد تولید فر آورده ناویژه اجتماعی را تامین می ساخت. در همین سال، تنها نزدیک به ۲۹ درصد مردم کاری کردند. از این شماره ۵۷ درصد در کشاورزی، جنگل - داری و ماهیگیری اشتغال داشتند، ۱۲ درصد در صنعت و بقیه در دیگر رشته ها.

موازنه بازرگانی خارجی هندوراس منفی است. در سال ۱۳۵۸، این کشور ۱۶۶۳/۹ میلیون لیمبرا کالا وارد، ولی تنها ۱۴۶۵ میلیون لیمبرا صادر کرد. مهم ترین کالاهای صادراتی هندوراس عبارتند از: موز (۲۷/۳ درصد صادرات ۱۳۵۸)، قهوه (۲۶/۹ درصد) ماهی یخزده (۸/۲ درصد)، چوب (۵/۷ درصد).

مهم ترین شاخه اقتصادی هندوراس کشاورزی است. فزون بر کالاهای صادراتی نامبرده، در این کشور ذرت، لوبیا، برنج و سبزی نیز کشت می شود. تنها یک دهم زمین های هندوراس قابل کشت است. در حدود ۱/۵ میلیون نفر روستانشین از هرگونه زمینی بی بهره اند. از سوی دیگر، ۲۵۰ زمیندار



بزرگ ۳۰ درصد ارضی حاصلخیز را در اختیار دارند. شرکت های آمریکایی "یونایتد برانداز کمپانی" و "استیم شیب کامپانی" تقریباً همه موززارهای خود را به لاتیفوندیست های بومی واگذار کرده اند و خود به تولید دیگر محصولات کشاورزی، دامپروری و تجارت موز پرداخته اند.

دولت هندوراس بارها اعلام داشته است که خواهان پیشبرد اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین است، ولی عملاً هیچگونه گامی در این راه برنداشته است.

در صنایع هندوراس تنها ۱۳۰ هزار نفر اشتغال دارند. این صنایع بیشتر در منطقه اطراف سان پدروسولامترکز است. کارخانه های کوچک و متوسط بطور عمده برای تامین نیازمندی های داخلی تولید می کنند (مانند نوشابه، سیگار، کبریت و غیره). علاوه بر این، مقدار کمی صابون و منسوجات به کشورهای همسایه صادر می شود.

اهمیت صنایع استخراجی هندوراس رویه کاهش است. یکی از کسورن های آمریکایی استخراج طلا و نقره را در کستاریکا بعهده دارد. فزون بر این، سرب و روی نیز در این کشور استخراج می شود. در هندوراس بررسی های مقدماتی برای یافتن اوران نیز آغاز گردیده است. در هندوراس، علیرغم آثار تاریخی فرهنگ "مایا"، توریزم چندان گسترش نیافته است. در سال ۱۹۷۸، تنها ۸۶۸۱۲ نفر توریست خارجی از این کشور دیدن کردند.

دولت هندوراس قصد دارد به سرمایه گذاری های هنگفت در نیروگاه های آبی، جاده سازی و توسعه بنادر بپردازد. در سال ۱۹۷۸، در هندوراس ۷۱۰۶۲ ماشین، ۱۴۸۰ کیلومتر جاده آسفالتی، ۹۷۷۰ کیلومتر آهن و ۱۹۷۱۳ دستگاه تلفن وجود داشت.

اوضاع کنونی: هر چند الیکارشی هندوراس در اعمال سیادت خود به ددمنشی آشکاری چون در السالوادور و گواتمالا دست نمی یازد و در بعضی موارد به اصلاحات بسیار محدود و نا چیزی نیز پرداخته است، با اینهمه رژیم هندوراس یکی از بزرگترین دشمن های امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی به شمار می آید. در حدود ۵ هزار مزدور "گارد ملی" سابق سوموزا، که در هندوراس پناهندگی یافته اند، زیر چتر حمایت رژیم این کشور، بارها به تحریکات مرزی گسترده علیه نیکاراگوئه میادرت ورزیده و مناسبات میان این دو کشور راسخت متشنج ساخته اند. از سوی دیگر، رژیم هندوراس، در عملیات مشترک نظامی با "خونتا"ی السالوادور در سرکوب مبارزان السالوادور شرکت می جوید. واقعیت نامبرده، بویژه پس از قرارداد صلح ۱۳۵۹ (۳۰ اکتبر ۱۹۸۰) میان هندوراس و السالوادور نمایان شد. با این قرارداد، "جنگ فوتبال دوکشور" که بیش از یازده سال ادامه داشت، پایان یافت و، بدینسان، به خواست آمریکا، گامی دیگر در راه احیای "شوای دفاعی آمریکای مرکزی" ("کوندکا")، بعنوان حربه ای برای مقابله با جنبش های انقلابی منطقه، برداشته شد، "واشینگتن" این خوش خدمتی رژیم تخریب خالها را با واگذاری جنگ افزارهای بیشتری به هندوراس "پاداش" داد. بعقیده کار شناسان، اکنون "توان رزمی هندوراس در تاریخ این کشور بی سابقه است.

## اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!





لئونید برژنف:

### اتحاد شوروی در پی منابع طبیعی دیگران نیست

روز سه شنبه ۵ خرداد ۶۰، ملک حسین دیدار رسمی خود را از اتحاد شوروی آغاز کرد.

در جریان گفتگوهایی که میان لئونید برژنف و ملک حسین صورت گرفت، دو طرف نگرانی خود را از افزایش تنش‌ها در خاورمیانه ابراز داشتند، که بر اثر تجاوزکاری اسرائیل پدید آمده است.

لئونید برژنف بر «ضرورت پیدا کردن راه‌حلی عادلانه برای مسائل منطقه» تأکید کرد که، بگفته وی، «تنها در چارچوب کنفرانسی بین‌المللی درباره خاورمیانه و با شرکت همه اطراف ذینفع، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین»، ممکن است.

ملک حسین پشتیبانی خود را از ابتکار اتحاد شوروی اعلام داشت. لئونید برژنف، در ناهاری به افتخار میهمان اردنی، تجاوزات اسرائیل را در لبنان محکوم ساخت. او همچنین موضعگیری ایالات متحده آمریکا را تخطئه کرد و گفت که این کشور می‌خواهد پس «خاورمیانه نفت خیز دست یابد و سیادت خود را در آنجا برقرار کند. برعکس، اتحاد شوروی در پی منابع طبیعی دیگران نیست.»

در این مراسم، ملک حسین برای کمک اتحاد شوروی به اعراب ارزش فراوان قائل شد.

### والدهایم از روش کشورهای غربی در راه نامی بیا انتقاد کرد

کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، از باصطلاح «برخورد جدید» کشورهای غربی درباره مسئله نامی بیا انتقاد کرد. وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاریس، در روز ۴ خرداد ۶۰ گفت که «نقشه سازمان ملل پایه عادلانه‌ای را برای حل این مسئله تشکیل می‌دهد.»

این نقشه، که در قطعنامه شورای امنیت در سه سال پیش تدوین یافته است، خواستار خروج نیروهای آفریقای جنوبی از نامیبیا، آتش‌بس و برگزاری انتخابات آزاد، زیر نظارت بین‌المللی، می‌شود.

### کنگره کمونیست‌های کامپوچیا به کار خود ادامه می‌دهد

تن ساون، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق کامپوچیا، در کنگره چهارم این حزب، که اکنون در پنجمین برگزار می‌شود، گفت:

«حزب مردم کامپوچیا را به سوی کشوری صلح‌جوی، غیرمتعهد و سوسیالیسم راهبر خواهد بود.»

تن ساون افزود:

«کامپوچیا کماکان به مناسبات دوستی و همبستگی خود با اتحاد شوروی، ویتنام، لاوس و دیگر کشورهای سوسیالیستی ادامه خواهد داد.»

### جسد دو سیاهپوست دیگر در آتلانتا پیدا شد

پلیس آتلانتا سیاهپوستی را، که جسدش در رودخانه‌ای در نزدیکی این شهر پیدا شده بود، بعنوان نائیل کیتز معرفی کرد. از سوی دیگر، جسد کودک سیاهپوست دهساله‌ای، به نام داران گراس، که بیش از ۸ ماه پیش ناپدید گردیده بود، پیدا شد.

چنین می‌نماید که هر دو آنها قربانی ترور نژادپرستان شده باشند.

در دو سال اخیر، ۲۸ کودک و نوجوان سیاهپوست بدست قتل‌اندازان این شهر به لاکت رسیده‌اند و مقامات از هرگونه اقدامی علیه نژادپرستان خودداری ورزیده‌اند.

## درباره یک مقاله زهر آگین

است، یا حزبی است انقلابی و اصولی، که بمدت ۴۰ سال اینارگرانه برای رهائی ایران از چنگ امپریالیسم و برای کسب استقلال و آزادی، برای رهائی خلق زحمتکش ایران از استثمار و حشیا، رزمیده و در این راه خون داده، شکنجه دیده، زندان کشیده، در معرض کین حیوانی آریامهری و سنگین سباراکی قرار گرفته، ولی لحظه‌ای پرچم خونین مبارزه را زمین ننهاده - قضاوت یا مردم ایران و تاریخ ایران است.

اما اینکه دفاع حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی، دفاع و پشتیبانی اصولی است، واقعیتی است که امروز در معرض دید همگان است و هیچ شعبده‌بازی نمی‌تواند آنرا دگرگون جلوه دهد. حزب توده ایران نه فقط در سطح تبلیغات شفاهی و کتبی، نه فقط در تحلیل‌های علمی، نه فقط در اسناد رسمی مصوب ارگانهای رهبری خود، بلکه در عمل، آری در عمل از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده و مؤثر دفاع کرده است، و عمل چیزی نیست که بتوان بر روی آن خط پطلان کشید و یا آنرا واژگونه جلوه داد.

دومین هدف نویسنده «مقاله زهر آگین» کوششی مبتذل برای آفاق این اندیشه مضحک است که حزب توده ایران «آمریکائی» است! خواهید گفت که این دیگر افراتی است که مرغ پخته را هم به‌خنده وامیدارد. ولی مغرضی که بخواهد حزب توده ایران را دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران معرفی کند، ناچار باید آنرا «آمریکائی» بنامد، زیرا همه مردم ایران میدانند که دشمن اصلی آمریکا است. ضمناً باید گفت که این افراتر «توآوری» نویسنده «مقاله زهر آگین» نیست.

«امپریالیسم خبری» در گذشته کوشید حزب توده ایران را «انگلیسی» معرفی کند، چون در آن زمان امپریالیسم انگلستان دشمن اصلی کشور و مردم ایران بشمار میرفت. اصطلاح «توده‌نقی» که لیبرالها نشخوار میکنند، ماخوذ از منابع تبلیغاتی انگلیسی است. «توآوری» نویسنده «مقاله زهر آگین» منحصر به اینست که نام آمریکا را جانشین نام انگلیس کرده است، زیرا دشمن اصلی امروزی آمریکا است. ولی تبلیغات آنروزی انگلیسی و تبلیغات امروزی آمریکا بر مصداق این ضرب‌المثل انجام گرفته و میگردند، دزد برای خاکپاشیدن در چشم مردم فریاد میزند که «های، دزد را بگیرید!»

سومین هدف «مقاله زهر آگین» آفاق این شبهه است که گویا «طرفداران لیبرالیسم»، «مترقیون آمریکاپرست» «می‌می و زیزی و سی‌سی و تی‌تی و تی‌تی و تی‌تی» می‌توانند با این جملهای که محور تبلیغات آمریکائی برای ترساندن «آخوندها» از «توده‌ایها»، ایجاد شکاف و خصومت بین نیروهای راستین انقلابی مسلمان با نیروهای راستین انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی است، پایان می‌پذیرد: «آیا باین ترتیب (ترتیب دادن «بحث آزاد» تلویزیونی) هنوز می‌توان انکار کرد که مملکت دست توده‌ای‌ها نیست؟»

باین «ترتیب» ملاحظه میکنیم که نویسنده «مقاله زهر آگین»، پس از مقدار کمی به‌خیال خود شعبده‌بازی، درست در «خط» آنهایی قرار میگیرد که ظاهراً خواستار «بحث آزاد»ند، ولی باطناً و عملاً مخالف آن. ولی «بحث آزاد»، که در صدواوسیما جمهوری اسلامی ایران آغاز شده، یکی از دستاوردهای مهم ضداستبدادی انقلاب است. سندی است که نشان میدهد در جمهوری اسلامی ایران برخورد عقاید مختلف در زمینه‌های مختلف، برای یافتن بهترین راه برای حل مسائل، می‌تواند و باید انجام گیرد: سلاحی است که «آزادیخواهان» ضد آزادی را خلع سلاح میکند، وسیله‌ایست که میتواند و باید کمک به وحدت عمل نیروهای راستین انقلابی و مدافعان صدیق انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی بنماید. افشاگر آن گروه‌های «دو دوزه‌بازی» است که در حرف طرفدار و خواستار «بحث آزاد»ند، ولی در عمل مخالف آن.

«خط» «مقاله زهر آگین» هر قدر هم به رنگهای مختلف عرضه شود، نمیتواند «بحث آزاد» و فوائد آنرا در انظار خلق انقلابی، تخطئه کند.

### هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان گشایش یافت

روز سه شنبه ۵ خرداد ۶۰، هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان در اولان باتور گشایش یافت. پانصد نماینده این کنگره به بررسی فعالیت‌های حزب در پنجسال گذشته خواهند پرداخت، پیشرویس رهنمودهای تحول اقتصادی مغولستان را در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ تصویب خواهند کرد و ارگانهای رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان را از نو بر خواهند گزید.

یومشاگین تسدنبال، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان، در گزارش خود به کنگره پیشنهاد کرد که معاهده‌ای درباره محکوم کردن متقابل دست‌یازی به زور از سوی کشورهای آسیا و منطقه اقیانوس آرام امضاء گردد.

وی همچنین این پیشنهاد را مطرح ساخت که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای آسیا در کنفرانسی برای تبادل نظر درباره تضمین صلح و امنیت در این قاره شرکت جویند.

یومشاگین تسدنبال اهمیت فراران پیشنهادی صلح لئونید برژنف را در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی یادآور شد و در این زمینه بویژه ضرورت اتخاذ تدابیر اعتماد آفرین را در خاور-دور خاطر نشان ساخت.

رهبر کمونیست‌های مغولستان نگرانی عمیق خود را از احیای میلیتاریسم ژاپن و گسترش همکاریهای نظامی میان آمریکا و ژاپن اعلام داشت.

یگفته تسدنبال، مناسبات مغولستان با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پیرومندان گسترش می‌یابد.

وی در زمینه سیاست داخلی، یادآور شد که:

«برنامه پنجساله جدید مرحله‌ای جدید را در افزایش بهره‌وری مردم آغاز خواهد نهاد. در این دوران درآمد واقعی مردم ۱۴-۱۰ درصد بیشتر خواهد شد.»

در کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، نمایندگان بسیاری از احزاب برادر و سازمانهای آزادیبخش شرکت دارند. میخائیل گورباچوف، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ریاست هیئت نمایندگی کمونیست‌های شوروی را به عهده دارد.

حزب توده ایران، که از طرف حزب برادر در مغولستان برای شرکت در کنگره هیجدهم حزب انقلابی خلق مغولستان دعوت شده بود، بعلت محدودیتهای موجود در زمینه سفر به خارج از کشور، تنها به فرستادن پیام شادباشی به این کنگره اکتفا ورزید. متن این پیام در شماره ۵۲۱ «نامه مردم» چاپ رسید.

روز سه شنبه ۵ خرداد ۶۰، هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان در اولان باتور گشایش یافت. پانصد نماینده این کنگره به بررسی فعالیت‌های حزب در پنجسال گذشته خواهند پرداخت، پیشرویس رهنمودهای تحول اقتصادی مغولستان را در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ تصویب خواهند کرد و ارگانهای رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان را از نو بر خواهند گزید.

یومشاگین تسدنبال، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان، در گزارش خود به کنگره پیشنهاد کرد که معاهده‌ای درباره محکوم کردن متقابل دست‌یازی به زور از سوی کشورهای آسیا و منطقه اقیانوس آرام امضاء گردد.

وی همچنین این پیشنهاد را مطرح ساخت که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای آسیا در کنفرانسی برای تبادل نظر درباره تضمین صلح و امنیت در این قاره شرکت جویند.

یومشاگین تسدنبال اهمیت فراران پیشنهادی صلح لئونید برژنف را در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی یادآور شد و در این زمینه بویژه ضرورت اتخاذ تدابیر اعتماد آفرین را در خاور-دور خاطر نشان ساخت.

رهبر کمونیست‌های مغولستان نگرانی عمیق خود را از

**نامه مردم**  
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم»  
هنوز در اختیار  
«نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان  
**NAMEH MARDOM**  
No. 523  
28 May 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

## باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم